

معرفی، بررسی و تحلیل تذکره شکرستان پارس

عبدالرسول فروتن*

چکیده

تذکره‌های شعری از مهمترین منابع برای شناخت احوال و آثار شاعران است. یکی از این تذکره‌ها که از دوره قاجاریه برجای مانده و در سال ۱۳۱۳ هجری قمری تألیف شده، «شکرستان پارس» نام دارد و از آثار محمدحسین شعاع‌الملک شیرازی (۱۲۸۹-۱۳۶۳ ق) است. این تذکره - که به شاعران دیار فارس اختصاص دارد - احتمالاً در دو مجلد بوده، اما در حال حاضر تنها نسخه‌ای از جلد اول آن (مشمول بر احوال و آثار هشتاد و یک شاعر، از آثار ارسنجانی تا شوریده شیرازی) در دست است. در این مقاله بر آنیم تا پس از معرفی این تذکره، به بررسی سبک، نسخه و رسم الخط، منابع و مآخذ، شیوه تذکره‌نویسی و اهمیت این اثر در شناخت شاعران بپردازیم. مسأله‌ای که به ارزش این تذکره می‌افزاید این است که تعداد قابل توجهی صاحبان تراجم این تذکره معاصر شعاع‌الملک بوده‌اند و وی با برخی از آنان ارتباط داشته است. از آنجا که برخی از شاعران ذکر شده در این تذکره هنرمند (خوشنویس، تذهیب‌گر و نقاش) هم بوده‌اند، می‌توان اطلاعات مفیدی درباره تاریخ خوشنویسی ایران در آن یافت.

واژه های کلیدی: شکرستان پارس، شعاع‌الملک شیرازی، شاعران فارس، تذکره‌نویسی

مقدمه

از جمله منابع مهمی که رجوع به آنها برای شناخت شاعران بایسته است، تذکره‌های شاعران می‌باشد. خوشبختانه از این دست تذکره‌ها که به شاعران فارسی‌زبان و اشعار آنها می‌پردازند، بسیار بر جای مانده است. به طور کلی مطالب موجود در این نوع آثار را می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی کرد: ۱. بیان سرگذشت و آثار شاعران ۲. ذکر اشعار ایشان (بیشتر حجم تذکره‌ها را این دو مورد در بر می‌گیرند) ۳. نقد اشعار و طرز سخن سرایی آنان، نکاتی در باب اقتباس، سرقات و ... در دیوان شاعران.

یکی از این تذکره‌ها که تاکنون به چاپ نرسیده و حاوی اطلاعات مهمی درباره شاعران عموماً متأخر دیار فارس است، «شکرستان پارس» و یا «شکرستان فارس»^۱ نام دارد و از آثار محمدحسین شعاع‌الملک شیرازی متخلص به «شعاع» (۱۲۸۹-۱۳۶۳ ق) است. گرچه از این اثر تنها نسخه ناقصی شناسایی شده، اما همین نسخه هم اطلاعات ارزشمندی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

در این مقاله پس از معرفی شعاع‌الملک و تذکره شکرستان پارس، به بررسی این تذکره از جهات مختلف خواهیم پرداخت. معرفی و بررسی رسم‌الخط و کتابت تک‌نسخه بر جای مانده از این اثر، شیوه تذکره‌نویسی شعاع‌الملک در این کتاب، منابع و مآخذ این اثر، سبک نثر و اهمیت این تذکره در شناخت شاعران، تاریخ هنر (خوشنویسی، تذهیب و نقاشی) و تاریخ چاپ از جمله این موارد است. همچنین با توجه به ناقص بودن نسخه این تذکره سعی در به دست آوردن مطالب و افتادگی‌های آن داریم.

شعاع‌الملک شیرازی

محمدحسین شیرازی متخلص به شعاع و ملقب به شعاع‌الملک^۲ فرزند حاجی ابوالحسن، شاعر و تذکره‌نویس دوره قاجاریه است. وی «در روز شنبه یازدهم ذی‌قعدة الحرام سنه یک‌هزار و دویست و هشتاد و نه، یک ساعت قبل از ظهر در دارالعلم شیراز مسرت‌طراز به طالع حوت از بطن مام» (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۳۵) زاده شد. جد اعلایش حاجی علیرضاخان در دوران آقامحمدخان قاجار خدمت‌های شایانی کرده است، جدش محمدابراهیم از فرط رستگی به درویش ابراهیم شهرت نموده و پدرش حاجی ابوالحسن (۱۲۴۵-۱۳۰۳ ق) بازرگان و امی بود. مادر وی نیز دختر میرزا محمدعلی متخلص به ناطق بود که طایفه‌ای جلیل‌الشان داشت

(همان، همانجا). این ناطق، محمدعلی مجتهد، ابن الحاج میرزا محبعلی پیشنماز و واعظ، ابن میرزا محمدعلی گلشن تخلص بود (نک داور، ۱۳۷۱: ۶۳۶).

محمدحسین هفت‌ساله بود که پدر وی او را به‌همراه برادر بزرگترش به مکتب فرستاد و هیچ از راه تربیت و تشویق فرو نهاد. در سال ۱۲۹۹ ق مادرش درگذشت و در قبرستان دارالسلام شیراز به خاک سپرده شد (شعاع شیرازی، حال و مقال: ۴ ر و پ). سیزده‌سال داشت که پدرش از دنیا رفت و در تکیه حافظیه مدفون گشت (همان، ۴ پ) اما وی همچنان در طریق علم پویان بود تا آنکه به قول خود «مدرسه‌ای نماند که با پای شوق ندویدم و محفلی نبود که از هندسه ذوق سری نکشیدم تا بدین مایه که هستم رسیدم.» (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۵۳۵).

محمدحسین آن‌گاه که به شاعری پرداخت، برای برگزیدن تخلص تفألی به کلیات سعدی زد و این مصراع پدیدار شد: «شعاع روی تو بازار ماه و خور بشکست»، از این رو نام شاعری خود را «شعاع» قرار داد (همان، ۵۳۶).

برادر بزرگتر شعاع محمدحسن متخلص به دبیر (متولد ۱۲۸۶ ق) جزو منشیان حکومتی حکام فارس بوده و زندگانی را بدین طریق می‌گذرانیده است. مدتی در بندر میناب به کارهای دیوانی و دولتی روزگار می‌گذرانیده (همان، ۱۰ و ۱۶۵) و حداقل تا سال ۱۳۳۲ ق زنده بوده است (کتابت نیمه نخست مجموعه احوال سه شاعر را وی به عهده داشته که در انجامه آن تاریخ ۲۶ ذالحجه الحرام ۱۳۳۲ دیده می‌شود؛ نک شعاع شیرازی، رساله شعاعه: ۶۰ ر). برادر کوچکتر وی نیز عباس (۱۲۹۲-۱۳۲۷ ق) نام داشته و چون در کار زرگری ماهر بوده و ضمناً در کنار کار روزانه به شعر و شاعری نیز می‌پرداخته، تخلص زرگر را برای خویش برگزیده است. زرگر اواخر عمر خود را در بندر چاه‌بهار می‌گذرانیده و در همانجا درگذشته است (نک شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۰ و ۲۰۹-۲۱۳). آن‌ها خواهری نیز داشته‌اند (نک همان، ۱۰).

شعاع‌الملک شغل و درآمد ثابتی نداشت. با خرید و فروش کتب خطی و آثار عتیقه روزگار می‌گذرانید و گاهگاهی از ممدوحان خویش صله‌هایی می‌گرفت. وی تا پایان عمر مجرد زیست و همشین و همسر و هم‌بالین وی کتاب و دفتر و شعر و نسخ خطی و آثار هنری از قبیل مَهر و سکه و تسبیح و غیره بود. اگر جایی یکی از این آثار هنری را سراغ می‌گرفت تا بدان دست نمی‌یافت آرام نمی‌نشست. حاصل این تلاش‌ها فراهم

آوردن مجموعه بی نظیری از کتاب‌های خطی نفیس و گنجینه‌ای از دیگر نوادر هنری بود و چه بسا نسخه‌های منحصر به فردی که در کتابخانه وی فراهم آمده بود (همان، ۱۶).

این کتابخانه غنی و کتاب‌شناس بودن وی در آثارش بازتاب داشته است و در آن‌ها از کتاب‌های خود

سخن می‌گوید و یا از آن‌ها نقل می‌کند؛ مثلاً در جنگ اشعار خود (۱ پ) می‌نویسد:

«حقیر را کتابی است خطی که تخمیناً چهارصد سال است نوشته شده و آن کتاب نسخه‌اش دیده نشد،

شاید منحصر بوده باشد... . اعتبار آن کتاب خطی بیش از تذکره آذر است جهت تقدم زمان در نوشته شدن

آن کتاب تا زمان لطفعلی خان آذر، دیگر آنکه ممکن است که آن یک غزل را کاتب سهواً در دیوان اهلی

ترشیزی نقل کرده باشد، خاصه کتاب‌های چاپ که چندان اعتمادی بر آن‌ها نیست. غالب کتاب دارالطباعه

به جهت جلب منفعت اشعار مردم را کم و زیاد می‌نمایند.»

در شکرستان پارس نیز مثنوی معراج خیال تجلی شیرازی را - از آنجا که نسخه آن کمیاب است - به تمامی

نقل می‌کند (۳۳ پ-۳۶ پ).

شعاع‌الملک سرانجام در سن هشتاد و هفت سالگی در عصر روز چهارشنبه دهم خردادماه ۱۳۲۳ ش مطابق

هشتم جمادی‌الآخر سنه ۱۳۶۳ ق در شیراز درگذشت (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۶).

آنچه از نفایس کتب و دیگر آثار هنری از مرحوم شعاع باقی ماند، چون وارث آگاه و دلسوزی نداشت، به

وسیله برادرزادگانش به تاراج رفت و هر قطعه‌ای نصیب کسی شد اما خوشبختانه کتاب‌ها را یک شیرازی

خرید. استاد فقید علی‌اصغر حکمت به اتفاق مرحوم بدیع‌الزمان فروزانفر چند روز بعد از مرگ شعاع به شیراز

رفتند و تعدادی از کتاب‌های شعاع را خریداری نمودند. شادروان حکمت آن‌ها را با کتاب‌های دیگر به کتابخانه

دانشگاه تهران اهدا کرده است. (امداد، انجمن‌های ادبی شیراز، ۲۴۸ به نقل از همان، ۱۷).

از شعاع‌الملک هشت اثر تاکنون شناسایی شده است:

۱- جنگ شعاع: در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۶۴۸ محفوظ است. در این جنگ اشعار شاعران

مختلفی گردآوری شده، از جمله اهلی شیرازی (۲ پ تا ۱۸ ر)، عرفی شیرازی (۱۹ ر)، حاجی سبزواری

متخلص به اسرار (۱۹ پ)، فردوسی (۱۹ پ)، نظامی (۲۰ ر) و ... در چند جای این جنگ مهر خود شعاع

دیده می‌شود (۱ ر، ۲۹ ر، ۵۰ ر، ۱۳۴ پ، ۲۰۶ ر و ۲۱۵ ر).

شعاع در اوایل این جنگ (۴۰ پ) از تألیف تذکره شکرستان پارس سخن می‌گوید و از آنجا که این تذکره در سال ۱۳۱۳ ق نوشته شده (نک بخش تذکره شکرستان پارس در همین مقاله)، بنابراین گردآوری این مجموعه به سال ۱۳۱۴ ق آغاز شده، اما در همین اثر ترکیب‌بندی از فصیح‌الزمان رضوانی درباره مشروطه (۱۳۲۴ ق به بعد) دیده می‌شود (۱۴۰ ر-۱۴۴ پ).

۲- تذکره شعاعیه یا نمکدان فارس که در سال ۱۳۸۰ به طبع رسیده (نک بخش منابع این پژوهش)، شامل تراجم یکصد و پنج شاعر است که از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ ق با مؤلف کتاب معاشرت و مکاتبت داشته‌اند، با یک مقدمه در سبب تألیف و خاتمه در احوال مؤلف (گلچین معانی، ۱۳۵۰: ۲۵۵).

۳- تذکره شعرا: نسخه‌ای از آن به شماره ۷۹۱۱ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود و شامل شرح حال و اشعار شانزده شاعر است: ابوالعلاء گنجوی، رفیع‌الدین مرزبان، مجد همگر، ضیاء‌الدین، نویدی، اوجی، بدرالدین، امین، زنگی، عرفی، بابافغانی، اثر، خضری، ارشدی، روزبهان بقلی و کمال‌الدین غیاث شیرازی (صدرایی خویی، ۱۳۷۶: ۳۹۲).

۴- دیوان: تاکنون به چاپ نرسیده است و نسخه‌هایی از آن در کتابخانه دانشکده ادبیات و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی و کتابخانه فرمانفرمایان نگهداری می‌شود (نک درایتی، ۱۳۸۹: ۲۲۲). خود شعاع زمانی تعداد ابیات خود را زیاده از دویست‌هزار بیت گفته است (شعاع شیرازی، حال و مقال: ۵ ر).

۵- حال و مقال شعاع‌الملک یا سرگذشت‌نامه: مشتمل بر سرگذشت وی، شعرهایش و نامه‌هایی است که به او نوشته‌اند. نسخه‌ای از آن به شماره ۲۹۷ حکمت اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۴۱: ۲۳).

۶- اشعه شعاعیه: منتخب و خلاصه تذکره شعاعیه است با افزوده‌هایی که ظاهراً نویسنده بعدها افزوده و بخشی از آن را از محرم سال ۱۳۳۶ تا ذیحجه سال ۱۳۳۷ ق در روزنامه هفتگی پارس چاپ نموده است (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۵). همچنین برگزیده‌ای از این تذکره به کوشش م. رضای هزار شیرازی با نام «نامه خردپژوهان» به سال ۱۳۰۵ در چاپخانه هزار شیراز منتشر شده است.

۷- شکرستان پارس که در ادامه به تفصیل درباره‌اش بحث خواهیم کرد.

۸- رساله شعشعه به همراه ترجمه احوال و اشعار سه شاعر: زرگر اصفهانی منقول از شکرستان پارس (۲ پ)، حجاب شیرازی (۲۸ ر) و مضطرب شیرازی (۴۲ پ). نسخه‌ای از این مجموعه به شماره ۲۹۵ حکمت در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. بدون عنوان است و در فهرست نسخه‌ها عنوان «جنگ» بر آن نهاده‌اند (دانش‌پژوه، ۱۳۴۱: ۱۲). در ابتدا مقدمه شعاع و شرح احوال سه شاعر منقول از سه تذکره وی آمده به کتابت برادر خود محمدحسن دبیر در ذی‌حجه ۱۳۲۲ و اینکه دانش‌پژوه (همان، همانجا) در فهرست نسخه‌های خطی آن را به کتابت خود شعاع دانسته کاملاً صحیح نیست (البته رساله شعشعه به خط خود شعاع در شعبان ۱۳۲۲ است).

در ادامه نیز رساله شعشعه نوشته شده که شعاع‌الملک آن را به اشاره منصور میرزای شعاع‌السلطنه تألیف کرده و شامل ابیاتی از شعرای متقدم و متأخر است که دارای لفظ «شعاع» اند (۸۲ پ). در چندین صفحه این نسخه مهر خود شعاع به چشم می‌خورد (۴۱ ر، ۸۲ ر و ۱۱۶ پ).
پیش از این تنها چهار اثر وی معرفی شده بود (نک شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۱۴ و ۱۵؛ گلچین معانی، ۱۳۵۰: ۲۶۴) و به جنگ، رساله شعشیه، سرگذشت‌نامه و تذکره شعرای وی توجه نشده است. بررسی مبسوط این آثار در این مقاله نمی‌گنجد. اینک به بررسی تذکره شعاعیه - که هدف اصلی این پژوهش است - می‌پردازیم.

تذکره شکرستان پارس

شعاع‌الملک این تذکره را - که نخستین اثر اوست - به فرمان شاهزاده علی‌نقی میرزا رکن‌الدوله و در زمان فرمانروایی پدر این شاهزاده در شیراز به سال ۱۳۱۳ ق تألیف کرد (شعاع شیرازی، ۱۳۸۰: ۳۴) و به این سال در چند جای شکرستان پارس اشاره می‌کند (۶۹ پ، ۸۹ ر و ۱۰۰ ر). متأسفانه تنها نسخه‌ای از جلد نخست این تذکره در دست است که به شماره ۹۱۵۵ در کتابخانه مجلس نگهداری می‌شود و اطلاعات نسخه‌شناختی آن چنین است:

«شکرستان فارس (تذکره)، (تذکره - فارسی)، محمدحسن شعاع‌الملک شیرازی (قرن ۱۴ هـ)، [۴۸۸۷] ش ۹۱۵۵، نسخ، قرن ۱۴ هـ» (طباطبایی بهبهانی، ۱۳۸۶: ۵۲۰).

این نسخه در بر گیرنده احوال و اشعار هشتاد و یک شاعر، از آثار ارسنجانی تا شوریده شیرازی است که البته جای یک ترجمه خالی مانده (حشمت در ۵۴ ر؛ گلچین معانی به اشتباه آن را شامل هفتاد و هشت ترجمه

دانسته که جای چهار ترجمه نانویس است، نک گلچین معانی، ۱۳۵۰: ۷۴۷) و صفحاتی نیز به منظور افزودن مدخل‌ها و یا اشعار سفید است (۷۹ پ-۸۰ ر و ...). احتمالاً این تذکره در اصل دو مجلد داشته و جلد دوم شامل تراجم شاعرانی می‌شده که حرف اول تخلص آنان «ص» تا «ی» بوده است. همچنین این تذکره مقدمه ندارد که دو احتمال در این زمینه می‌توان مطرح نمود؛ یا تذکره شکرستان اصلاً مقدمه نداشته و یا مقدمه آن از آغاز این نسخه افتاده است که با توجه به اینکه دو تذکره دیگر وی (شعاعیه و اشعه شعاعیه) مقدمه دارند، احتمال نخست ضعیف‌تر به نظر می‌رسد.

همچنین بعید نیست که نسخه حاضر به خط خود شعاع و در واقع طرح اولیه و ناقص جلد اول بوده که دست روزگار تنها آن را از میان نسخه‌های کامل این تذکره در اختیار نسل‌های بعد نهاده است. در میان آثار کتابت شده توسط شعاع، حواشی وی بر تذکره شعرای خود به خط نسخ (همانند تذکره شکرستان) است (نک صدرایی خوبی، ۱۳۷۶: ۳۹۲). شعاع‌الملک در مقدمه خود بر اشعه شعاعیه (۳ پ و ۴ ر) می‌نویسد:

«چون بعضی از دوستان جانی و برادران روحانی از دور و نزدیک، ترک و تاجیک، خواهش و درخواست طبع و انتشار تذکرتین مسمی به شکرستان فارس و شعاعیه که وقتی به قلم این غریق بحر جان‌گذاری، شعاع شیرازی، سمت ترقیم و صورت ترسیم یافته و فکر ثاقبش در هم بافته، نموده‌اند، در انجام امر آن بزرگان جهان و سخنوران مهان عجلتاً از دو راه معذور است و صورت دادن آن کار بزرگ از خود حقیر دور. طبع تذکره شکرستان که زیاده از هفتاد هزار بیت از نظم و نثر شعرای مشرق‌زمین و فصحای مقدم، متوسطین و متأخرین است با این بضاعت مزجاء و عدم اجزای مطیع و نواقص کارخانجات، آسان شمردن کاری مشکل است و پای آمال در گل ...».

بنابراین تذکره شکرستان بیش از هفتاد هزار بیت شعر بوده و منظور از آثار منتشر همانند آن آثاری است که در نسخه حاضر هم نقل شده (مقدمه اهلی شیرازی بر قصیده مصنوعه و همچنین مثنوی سحر حلال در ۱۱ ر و ۱۶ ر)؛ در حالی که تک‌نسخه باقی‌مانده از این تذکره تنها حدود هفت هزار بیت دارد، یعنی یک‌دهم آنچه شعاع‌الملک یاد کرده و طبع آن را مشکل دانسته است.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، این نسخه افتادگی‌هایی دارد که بر چند قسم است:

الف) مربوط به سال وفات و یا سن و سال شاعر که نویسنده یا کاتب آن را نمی‌دانسته و یا درصدد تکمیل

آن بوده، بنابراین جای آن را خالی گذاشته است:

۱- (میرزا ابوالقاسم) در حدود یک هزار و دویست و ... به عالم باقی شتافت (۷ ر).
۲- (ابن خفیف) صد و بیست و چهار سال عمر یافت و در سال سیصد و ... رایت سفر آخرت برافراشت (۷ ر).

۳- (ساغر) در سال هزار و دویست و ... به روضه رضوان خرامید (۹۰ ر).
۴- (شوریده) مولانا از بدایت شباب تاکنون که از عمرش ... سال می گذرد (البته منقول از مقدمه فرصت بر دیوان شوریده، ۱۰۰ ر).

(ب) در نقل ابیات هم گاهی جای کلمه یا کلماتی خالی مانده است (به عنوان مثال در ۳۳ پ، ۳۶ پ و ...).
(ج) احتمالاً چند کلمه و یا یک خط افتاده و هیچ جایی برای تکمیل آن گذاشته نشده است (۶۴ پ).
(د) یک مدخل (حشمت) خالی مانده و تنها عنوان آن نوشته شده است (۵۴ ر).
ر) صفحه یا مقدار قابل توجهی از یک صفحه سفید مانده:

۱- یک صفحه تمام (۸۹ پ) به قصد گنجاندن اشعار زردوز و تکمیل خالی گذاشته شده است. شاید هم برای تکمیل مدخل زرگر بوده که در منابع دیگر به نقل از این تذکره موجود است ولی در این نسخه دیده نمی شود (در ادامه به توضیح این نکته خواهیم پرداخت).
۲- در فاصله میان «راز» و «رامش» (۷۹ پ-۸۰ ر) حدوداً یک صفحه خالی گذاشته شده است. همچنین صفحات ۹۷ پ، ۹۸ پ، ۹۹ ر و پ چنین اند.

وی برای تألیف و تکمیل این تذکره نامه نگاری هایی نیز با برخی از شاعران داشته است، از جمله مراسله با میرزا سلیمان خان رکن الملک شیرازی متخلص به خلف که در اصفهان ساکن بوده و سواد مراسله شعاع با وی و جواب او در حال و مقال شعاع الملک (۱۶۸ ر-۱۷۰ پ) آمده است. در پایان آخرین نامه خلف تاریخ غره جمادی الاولی ۱۳۱۵ درج شده، در حالی که شرح احوال و اشعار وی در تک نسخه شکرستان آمده و تألیف اثر را در سال ۱۳۱۳ ق نقض می کند. شاید ترجمه احوال وی بعداً به این تذکره افزوده شده است.

با تتبع در برخی از جنگ ها و نسخه های خطی مرتبط با شعاع الملک توانستیم به ترجمه احوال دو شاعر که در این تذکره موجود بوده اما در این نسخه از آن ها ذکری نرفته است، دست یابیم:

۱- زرگر اصفهانی: با وجود اینکه شرح احوال و آثار وی می بایست در تنها نسخه موجود از جلد اول تذکره موجود باشد، اما چنین نیست. همان گونه که پیش از این نیز ذکر شد، شاید صفحه ۸۹ پ که پس از

مدخل زردوز خالی مانده، به قصد اضافه کردن این مدخل بوده است. شرح احوال وی به نقل از شکرستان پارس در دو نسخه دیده می‌شود: شعاع شیرازی، جنگ شعاع (۱۸۳ پ) و همو، رساله شعاعه (۲ پ-۳ ر). هر دو نسخه در ادامه اشعاری از زرگر نقل کرده‌اند که احتمالاً آن اشعار هم از شکرستان پارس است.

۲- فرصت: در جنگ شعاع پس از نقل ترکیب‌بندی (۲۹ پ-۴۰ ر) از فرصت شیرازی آمده است:

«این ترکیب‌بند دل‌آرا و این اشعارات روح‌افزا از نتایج افکار ابکار ... آقا میرزا آقا المتخلص به فرصت است و این بنده فقیر سراپا تقصیر میرزا محمدحسین الشریف ابن المرحوم الحاج ابوالحسن شیرازی چون یک سال قبل از این تذکره تألیف نموده‌ام در حالات و گزارشات شعرای فارس از مایتقدم و مایتأخر و موسوم است تذکره به شکرستان پارس، در آن کتاب شردمه‌ای از احوال و اشعار مولانای سابق‌الذکر مرقوم است و حقیر حالات آن‌جناب را بدون اشعاراتی که بعد از حالانشان ذکر است از آنجا نقل می‌کنم که بر خواننده این ترکیب‌دل‌آرا حال قائل مجهول نماند.» (۴۰ پ)

و پس از آن به نقل ترجمه احوال وی می‌پردازد که برای پرهیز از اطباب از ذکر آن خودداری می‌کنیم (نک شعاع شیرازی، جنگ اشعار: ۴۰ پ-۴۱ پ).

همچنین شعاع در این تذکره احوال پدر (حاجی ابوالحسن)، جد (درویش محمدابراهیم) و جد اعلای خود (حاجی علیرضاخان) را آورده بوده است (شعاع شیرازی، حال و مقال: ۴ ر)، گرچه شاعر بودن این سه تن مشخص نیست.

در متن موجود از شکرستان، اشاراتی به مدخل‌هایی که نویسنده شرح احوال و اشعار آن‌ها را پیش از این آورده و یا خواهد آورد، دیده می‌شود و با توجه به این مسأله می‌توان به نام شاعرانی که در این اثر ذکری از آن‌ها رفته اما در این نسخه نامی از آن‌ها نیست، دست یافت: میرزا ابوالقاسم فرهنگ (۶ پ)، میرزا کوچک وصال (۶ پ و ۳۷ ر)، میرزا محمدنبی مخلص (۷ پ)، میرزا آقا فرصت (۲۶ پ و ۱۰۰ ر)، میرزا محمدتقی سحاب (گرچه باید نام وی در حرف سین از جلد اول می‌آمد، ۵۱ پ)، محمدصادق کوکب (۷۸ پ)، میرزا محمدحسین عالی (۸۵ پ) و میرزا حبیب قآنی (۹۱ پ).

رسم الخط نسخه شکرستان

اهم خصوصیات رسم‌الخطی نسخه موجود به شرح زیر است:

۱- گاف در همه جا سرکش ندارد.

۲- در قصیده مصنوعه اهلی شیرازی و همچنین در مثنوی سحر حلال وی - که در این تذکره تماماً نقل شده‌اند - خصوصیت رسم‌الخط آن دو و نیز رنگ حروف در قصیده مصنوعه اهمیت دارد، اما با توجه به اینکه نشان دادن صنایع بدیعی در شعر و تصنع‌گویی‌های شاعر در تذکره جزو اهداف اصلی نیست و نیز به دلیل دشواری آن رسم‌الخط و امکان نداشتن چاپ رنگی، باید همه به یک رنگ و با رسم‌الخط جدید نوشته

شوند. به عنوان مثال این بیت اهلی در سحر حلال:

خم شده هر دو به یک آهنگم آن

بازوی من ساخت دو آهن کمان

(۱۸ پ) این گونه کتابت شده است:

خم شده هر دو به یک آهنکم آن

بازوی من ساخت دو آهن کمان

شاعر در این مثنوی خواسته است در هر بیت صنایع ذوبحرین، ذوقافیتین و تجنیس را رعایت کند. در قصیده مصنوعه وی نیز انواع صنایع خطی آورده شده است.

۳- الف ممدود (آ) به صورت الف (ا) نوشته شده است. مصوت بلند آ (مثلاً آرد) و ا (مثل پا)، برخلاف آ، یک خط در کنار خود دارند، البته نه در همه موارد.

۴- جملات عربی عموماً مشکول است. حتی برخی از کلمات فارسی هم مشکول شده‌اند.

۵- «خرسند» و «خُرد» به صورت «خورسند» و «خورد» نوشته شده‌اند.

۶- «طاووس» با یک واو است.

۷- «زیبایی» و «آیه» و بعضی کلمات دیگر به صورت «زیبائی» و «آئه» و ... نگاشته شده‌اند.

۸- برخی از کلمات به یکدیگر متصل شده‌اند: بیکموی، یکفرسنگ، بطریقیکه، پشیمانشد، گوشداشتم، یکزمانم، ایخوشا. تمام حروف بیتی از قصیده مصنوعه اهلی شیرازی هم (البته برای نشان دادن صنعت بدیعی آن) متصل نوشته شده است (۱۲ ر).

۹- همزه در برخی از کلمات کتابت نشده است: مامون، رافت، تایید، موانس.

۱۰- «گزاردن» به صورت «گذاردن» نگاشته شده: کارگذاران.

۱۱- «های غیرملفوظ» آن گاه که به «های جمع» می‌پیوندد، حذف می‌شود: شهنامها، عقدها، پردها، کرشمها، نقطها، نالها، غنچهها، میوها، سلسلهها و سجدهها؛ به جای: شهنامهها، عقدهها، پردهها و ... البته در مواردی این قاعده رعایت نشده: گشتهها (۲۵ ر)، بادهها (۳۶ ر) و ...

۱۲- «برخاستن» به شکل «برخواستن» نوشته شده است، همچنین «خاتون» به صورت «خواتون».

۱۳- «ب» و «ن» در «ببستم»، «نبینی» و ... جداگانه کتابت شده‌اند: به‌بستم، نه‌بینی، به‌بینی.

۱۴- «ت» در برخی کلمات عربی به صورت «ه» آمده است: جهه، نعمه‌الله، ولایه.

۱۵- «ندیده است» و «شده است» به صورت «ندیدست» و «شدست» نگاشته شده‌اند.

۱۶- «ه» در «باره»، «دیوانه» و «مغیچه» هنگام تبدیل به «بارگی»، «دیوانگی» و «مغیچگان» حذف نشده است: باره‌گی، دیوانه‌گی و مغیچه‌گان.

۱۷- «نشئه» به صورت «نشأه» نوشته شده است.

در این نسخه تخلص شاعران در آغاز و همچنین عناوین اشعار تماماً به رنگ شنگرف است جز در قصیده مصنوعه و مثنوی سحر حلال اهلی که برخی از حروف و مصراع‌ها به رنگ شنگرف نوشته شده تا صنعت بدیعی آن نمایان شود. در این موارد گاه عناوین اشعار آبی‌رنگ است (نک ۱۱ ر- ۱۶ پ). همچنین در ۳۳ پ عنوان شعری به رنگ سیاه کتابت شده است.

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی شیوه تذکره‌نویسی

شعاع‌الملک در شکرستان پارس ترجمه شاعران را عموماً پس از آوردن تخلص وی - به ترتیب حرف تهجی - و بدون انتسابش به شهری آغاز می‌کند؛ به همین دلیل عنوان آغازین مدخل «زرگر اصفهانی» در دو نسخه‌ای که ترجمه وی را دارند، یعنی جنگ شعاع و شرح احوال سه شاعر (مجموعه ۲۹۵ حکمت)، نباید درست باشد و عنوان آغازین آن احتمالاً بدون انتساب به اصفهان بوده، به‌خصوص به این دلیل که این تذکره مربوط به شاعران دیار فارس است. البته اگر تخلص شاعر مشخص نبوده و یا تخلصی نداشته، به لقب، کنیه و یا نام مشهور وی بسنده شده است. تمام شاعران ذکر شده در این نسخه مذکر هستند.

شعاع در ابتدا نام کامل و نسب وی به همراه انتسابش به دیاری را توضیح می‌دهد و در ادامه به آثار وی می‌پردازد. در صورت امکان سال تولد و وفات، محل دفن و اگر شاعر زنده باشد سن و سال وی را بیان می‌کند.

گاه ماده‌تاریخی را که در سال وفات شاعر سروده‌اند، در انتهای ترجمه وی می‌توان دید (مثلاً در ۹ پ، ۲۹ پ، ۴۱ پ، ۵۱ پ، ۵۴ پ و ...)

تا آنجا که در توان اوست، نمونه‌های گوناگونی را از انواع قوالب شعری‌ای که شاعر در آن طبع آزمایی کرده، نقل می‌کند. در آوردن اشعار هم ترتیب مشخصی اعمال می‌شود؛ اگر از شاعری در قوالب متعددی شعر باقی مانده باشد و گردآورنده بخواهد از آن‌ها نقل کند، عموماً چنین ترتیبی خواهد داشت: قصیده، قطعه، مسمط و ترکیب‌بند، غزل، رباعی، دوبیتی و مثنوی.

شعاع گاه به نقل تمام یک منظومه و یا شعر به دلیل کمیاب بودن نسخه‌اش و یا اهمیت اثر می‌پردازد و این مسأله بازتابی است از نسخه‌شناس بودن وی و کتابخانه ارزشمند او. هم قصیده مصنوعه و سحر حلال اهلی را به‌همراه مقدمه‌هایشان می‌آورد و هم معراج خیال میرزا علیرضا تجلی را (۹ و ۳۳ پ). در انتها ذکر نظری که شعاع‌الملک در جنگ خویش (۲ ر) نسبت به تذکره‌نویسی و تراجم نگاشته شده خود دارد، ضروری می‌نماید:

«معلوم باد که این حقیر را رسم است که اگر همه بیت از هر کدام از شعرا بنویسم به قدر وسع و استیعاب خود شرح حال قائلش را در حاشیه یا مقدم از شعر می‌نویسم که بر مطالعه‌کنندگان آن، صاحب آن اشعارات مجهول نماند.»

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی نقد ادبی در شکرستان پارس

شعاع‌الملک علاوه بر ذکر سرگذشت و نسب شاعران و نقل اشعار آنان گاه نکاتی در زمینه نقد اشعار شاعران و طرز سخن ایشان بیان می‌کند که ارزش بسیار دارد:

- ۱- اثر: به طرز متأخرین دیوانی در هجو تمام کرده. خیالات پست و بلند داشته (۷ ر).
- ۲- ایزدی: اشعاری که وی «به طرز باباطاهر عریان» گفته را نقل کرده است (۲۶ پ).
- ۳- پور فریدون: این چند رباعی که به طرز باباطاهر گفته در این تذکره ضبط شد... (۳۲ ر).
- ۴- توحید: قصیده را نیکو سرودی و غزل را به طرز خواجه حافظ نیکو و باحالت گفتی (۳۷ ر).
- ۵- حافظ: ابیات رنگین و اشعار نمکین آن‌جناب به مذاق عاشقان عارف و عارفان عاشق موافق و سخن او را حالتی است که در گفتار هیچ‌یک از استادان نیست و به کلام هیچ‌کس مشتبه نمی‌شود؛ همانا واردات

غیبی است، لهذا از بزرگان «لسان‌الغیب» لقب یافته... سخنانش از تکلفات خالی و اشعار دل‌آویزش حالی است (۴۱ ر). دیوان فصاحت‌بنیان آن‌جناب بعد از وی جمع نموده‌اند، اشعار دیگران را نیز به او ملحق ساخته‌اند، ولی در نزد ناقد بصیر سخن‌شناس اشعار او مانند ماه درخشان در میان ستارگان ممیز و ممتاز است (۴۱ پ).

۶- به اعتقاد فقیر مانند خواجه حافظ در غزلیات و شیخ سعدی در جامعیت و حکیم فردوسی طوسی در شاهنامه و مولوی معنوی در مثنوی و شیخ نظامی قمی الاصل گنجوی‌المسکن در خمسه و حکیم خاقانی شیروانی و حکیم انوری ابیوردی در قصیده‌سرایی که هر یک در اقلیمی از اقالیم سبعة نظم پادشاهند، شاعری به عرصه ظهور نیامده (۴۱ پ).

۷- حکیم: طبع موزونش بیشتر به طریق حکیم ناصر خسرو علوی راغب (۵۴ پ).

۸- همچنین درباب سرقت اشعار سائل آمده است: (سائل) چند مثنوی گفته که از میان رفته و بعد از وفاتش یاران در صدد تقسیم غزلیاتش برآمدند و برادرانه قسمت نمودند، مگر قلیلی را که نتوانستند؛ از جمله خادم نام خادمش که ذکرش در حرف‌خا گذشت، بسیاری از خیالات سائل را سارق گشت. چنانچه در جنگی کهنه پاره‌ای از غزل‌های سائل را دیدم که از جمله غزلی است که مطلعش این است:

مژگان تو گر زند به تیرم ز ابروی تو چشم برنگیرم

آخر این غزل را خادم قیری در پیشگاه خاقان جنت‌مکان که سؤال از موطنش فرموده بودند، به اندک تغییری به اسم خویش خوانده و من بنده این قصه را در تلو نامش نوشته‌ام. معلوم شد که بیچاره همان یک شعر بدیهه را هم از سائل به سرقت برده (۹۵ پ-۹۶ ر).

منابع و مأخذ تذکره

شعاع شیرازی در شکرستان خود نام برخی از کتبی را که از آن‌ها استفاده کرده، بر می‌شمارد:

۱- تذکره دلگشا اثر میرزا علی‌اکبر نواب (۶ ر و ۳۳ ر و ۴۱ پ).

۲- مجمع‌الفصحای رضاقلی‌خان هدایت (۶ ر، ۲۶ پ، ۳۳ ر و ۴۱ ر).

۳- ریاض‌العارفین رضاقلی‌خان هدایت (۶ ر).

۴- شمع انجمن از محمد صدیق حسن‌خان (۳۳ پ و ۳۷ پ).

۵- آتشکده آذر بیگدلی (۴۱ ر).

۶- مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری (۴۱ پ).

۷- دیباچه فرصت بر دیوان شوریده شیرازی (۱۰۰ ر).

۸- شیرازنامه تألیف ابوالعباس بن ابوالخیر (۸۵ ر).

۹- دیوان‌های هر یک از شعرا نیز مورد رجوع وی بوده‌اند (مثلاً در ۴۱ پ).

البته به احتمال بسیار منابع مورد رجوع شعاع محدود به این منابع نمی‌شده و وی منابع دیگری نیز دیده بوده است، کما اینکه وی در جنگ اشعار خود (۲ پ-۵ ر) مطالبی را به نقل از کتاب دریای کبیر فرصت شیرازی در شرح احوال اهلی شیرازی نقل می‌کند که شباهت بسیار با مدخل وی در شکرستان پارس دارد (نک شعاع شیرازی، شکرستان پارس: ۹ پ). همچنین در برخی از تراجم گرچه نامی از منبع استفاده شده آورده نمی‌شود، اما می‌توان با مطالعه در تذکره‌های قدیمی‌تر به مأخذ آن ترجمه دست یافت؛ مثلاً یقیناً او شرح احوال جعفر خشتی (۴۰ پ) را از مجمع‌الفصحای هدایت گرفته است (نک هدایت، ۱۳۸۲: ۳۰۰).

وی در قسمت معاصران از تجربه‌ها و دیده‌های خود نقل می‌کند و از این منظر این اطلاعات وی اصالت و اهمیت تاریخی بیشتری دارد. طبق آماري که از تراجم این تذکره گرفته شد، از میان این هشتاد شاعری که شرح احوالی از آنان ذکر شده، بیست و دو نفر در قید حیات و وفات سی و پنج شاعر در قرن سیزدهم تا زمان آغاز تألیف (۱۳۱۳ ق) بوده است.

سیستم همایش ملی پژوهش‌های ادبی

سبک نثر شکرستان

قسمت اعظم تذکره‌ها را عموماً اشعار (و در برخی موارد متون منثور) نقل شده از شاعران تشکیل می‌دهد؛ بنابراین تنها آن قسمت از متن منثوری که گردآورنده و نویسنده تراجم شاعران در مقدمه این اشعار و در شرح احوال و آثار آنان و برخی از مسائل مربوط به نقد ادبی می‌نویسد، قابلیت بررسی سبک‌شناختی را داراست. البته باید توجه داشت که سبک نثر منبع مورد مراجعه گردآورنده و نویسنده یک تذکره بر طرز نگارش وی تأثیر می‌گذارد. از آنجا که تذکره حاضر مقدمه ندارد، در زیر به بررسی ویژگی‌های سبک نثر شعاع در شرح احوال و آثار موجود در این اثر می‌پردازیم:

۱- جملات عربی در ادامه و یا میان جملات فارسی: این جملات بیشتر مثل و یا مصراع و بیت است:

- بی کسی این قطعه را به نظم آورده، نزد غزالی فرستاد و هی هذه (۳۳ ر).
- دیوان معرفت بنیاد بلاغت نشانش کالشمس فی رابعه النهار در جمیع اقطار در نهایت اشتها (۴۱ پ).
- به مضمون هو المسک ما کررتہ يتصوَع این اشعار آبدار معرفت آثار آن جناب (حافظ) نه بر وجه انتخاب، بلکه از راه اختصار اختیار و ثبت شد (۴۱ پ).

۲- تعدد وصل: چند جمله پیاپی با حرف واو به یکدیگر متصل می شوند:

- (خاوری) در عنفوان شباب خاطر به کسب کمالات گماشته و از علوم عربیه و فنون ادبیه بهره وافیه برداشته و چون اختر بختش را رو به ارتفاع می بود، رخت سفر به جانب طهران بسته و در آنجا با بزرگانش برخاست و نشست دست داده، در خدمت میرزا شریف صدر اعظم که وزیری بود فلاطون ضمیر و دبیری عطار دنظیر راه و اعتبار یافته، چندان که محل اعتماد و اعتقاد جناب صدارت مآب آمده و به تحریر رسیده جات و تسطیر فرمایشات مشغول بوده و رفته رفته معروف حضرت شاهنشاهی و منظور نظر رأفت ظل اللهی گردیده و به حضور بار در آن دربار معدلت مدار بر امثال و اقران مباهی و به منصب ملفوفه نگار خاصه حضور همایونی برقرار گشته... (۵۸ ر).

۳- برای وفات شاعر تعبیرهای مختلفی دارد:

- (آگه) در سنه هزار و دویست و چهل و چهار در شیراز وفات یافت و به روضه جاوید شتافت (۶ ر).
- (ابن خفیف) صد و بیست و چهار سال عمر یافت و در سال سیصد و ... رایت سفر آخرت برافراشت (۷ ر).
- (اختر) در سال هزار و سیصد و دو از دار فانی درگذشت (۷ و ۶ ر).
- (امین) در سال هفتصد و چهل و پنج رحلت نمود (۹ ر).

۴- سجع: نثر شعاع الملک - مخصوصاً در ذکر القاب و انساب و آغاز شرح احوال - در برخی موارد مسجع است. فرصت الدوله شیرازی (۱۲۷۱-۱۳۳۹ ق) از معاصران شعاع درباره این گونه نثرهای آهنگین در تذکره ها نوشته قابل توجهی دارد:

«صاحبان تذکره و غیره را رسم این است که چون خواهند شاعری را ذکر کنند، پس از نام و لقبش اوصافی چند برای شاعر به الفاظی مسجع و مقفا می شمارند و فضیلت خود را به عبارت پردازی مشهود می دارند. بسا شاعری که الف را از بی نداند، فقط طبعی دارد که گاهی

شعری می‌گوید، در حق آن مثلاً می‌نویسند: 'نادرهٔ زمان و اعجوبهٔ دوران' یا می‌نگارند 'فلان

صاحب فضلی است وافی و جامع علمی کافی'...» (فرصت شیرازی، ۱۳۷۵: ۷۷).

البته این قسمت از شکرستان را از نظر سجع می‌توان به سه گروه تقسیم‌بندی کرد:

الف) مسجع: مربوط به شاعرانی است که شعاع احترام زیادی برای آن‌ها قائل بوده و این مسأله اعم از شاعران معاصر و غیرمعاصر وی است. مثلاً او در ترجمهٔ احوال اهلی شیرازی (۹ پ)، بسمل شیرازی (۲۹ پ)، پور فریدون (۳۲ ر)، حافظ شیرازی (۴۱ ر) و ... از جملات موزون و مسجع بهره برده است.

نمونه‌ای از نثر مسجع در شکرستان فارس:

«رامش کازرونی) در کمالات مسلم عصر خود بوده و گوی سبقت از همگان ر بوده. اشعار متین و ابیات رنگیش بر جلالت شان و سمو مکان وی برهانی است قاطع و از طرز سخن آرایبی اسلوب نظم آرایبی اش انوار فصاحت و بلاغت ساطع» (۸۰ ر).

ب) نیمه‌مسجع: اسجاع کمتری در متن به کار رفته و همچنین کلمات پایانی هم‌آهنگی کمتری دارند: «پروین) اسمش میرزا خلیل. جوانی است خوش سیرت و نیکوسریرت. نزد استاد جلیل آقا میرزا آقا متخلص به فرصت که ذکرش خواهد آمد، تحصیل علوم متداوله کرده و تخلص از آن جناب دارد.» (۲۶ پ).

ج) غیرمسجع:

«ادیب) اسمش میرزا هاشم از جمله فرزندان آقا میرزا بابای ذهبی متولی‌باشی بقعهٔ متبرکهٔ حضرت سید میر احمد مشهور به «شاه چراغ» علیه‌السلام و از نوادگان جناب آقا محمدهاشم درویش است. گاهی شعری می‌گوید.» (۸ پ).

۵- بیان مقصود به صورت ادبی: شعاع در برخی موارد جملات را با استفاده از تشبیه، استعاره، صنایع بدیعی و ... می‌آراید:

- (آسوده) به مجاهدات بدنیه زنگ کدورات نفسانیه از لوح خاطر سترده (۱ پ).
- (آگه) در کتاب دلگشای برادرش نواب ... نامش مذکور است (۶ ر)؛ در این جمله علاوه بر اینکه «دلگشا» نام تذکره‌ای از نواب است، ایهام‌مانندی نیز دارد و به عنوان صفتی برای این کتاب قرار داده شده است.

اهمیت شکرستان پارس

تذکره شکرستان پارس نمودار اهمیت فارس در شعر و شاعری عهد قاجار است که بیشتر شاعران این تذکره از آن زمانند و معاصر نویسندۀ آن. همچنین برخی از این شاعران با خود شعاع و یا پدرش مصاحبت داشته‌اند و از این نظر نیز این تذکره ارزش بیشتری می‌یابد و منبعی ارزشمند برای این شاعران است:

۱. ایزدی: فیض صحبتش مکرر دست داده و ابواب ملامت به روی این بنده گشاده (۲۲ پ).
۲. حجاب: با والد من بنده‌اش سال‌ها رشته دوستی و مواسات محکم بوده (۵۱ پ).
۳. حسرت: با والد من بنده‌اش رشته دوستی احکام داشته (۵۳ پ).
۴. رونق: به منصب سررشته‌داری توپخانه مبارکه برقرار و با من بنده‌اش رشته الفت استوار (۸۹ ر).
۵. ساکت: حال در شیراز سکنی دارد و آلاً به قدر ضرورت معاشرت ننماید... مدت‌هاست با من بنده مؤلف طریق موافقت و مرافقت مسلوک دارد (۹۰ پ).

شعاع در ترجمه احوال برخی از شاعران به تحقیق پرداخته و مواردی را در آن زمینه روشن کرده است که در تذکره‌ها کمتر دیده می‌شود؛ مثلاً وی در شرح حال روزبهان می‌نویسد:

«بعضی او را فسوی دانسته و در حالات او چنین نگاشته که مدت پنجاه سال در جامع عتیق شیراز وعظ می‌فرموده و مع هذا از صاحب فتوحات نقل نموده که وی عمری در مکه مجاور بوده، ولی آنچه از کتاب شیرازنامه تألیف ابوالعباس بن ابوالخیر که در سال هفتصد و سی و چهار شروع در آن نموده ظاهر می‌شود آن است که دو شیخ روزبهان بوده...» (۸۵ ر).

همچنین احوال و اشعار خرسند (۶۷ ر) تنها در این تذکره آمده است و تذکره دیگری که اطلاعی از احوال و اشعار او بدهد سراغ نداریم. مضطرب شیرازی ابیات زیر را در وصف تذکره شکرستان پارس سروده است:

آنکه همین تذکره ترتیب داد	کاغذ بی‌زیب، چنین زیب داد
هستی خود صرف در این کار کرد	قدر نهان همه اظهار کرد
تذکره‌ای در صفت او رواست	لیک نه اندر خور ادراک ماست
حل چنین مسأله فرصت کند	او اگر از مشغله فرصت کند

تا به کف آرد ز سحابی نمی
 ورنه در این دایره هر کس که بود
 شد دل دانشور از اندیشه خون
 مضطرب از غصه آن نیک‌مرد
 یا که یکی جرعه برَد از یمی
 عذر همی بر سر عجزش فزود
 نامدش از عهده مدحت برون
 گشت زبون غم و اندوه و درد
 (شعاع شیرازی، رساله شعشعه، ۶۰ ر)

تاریخ هنر

از آنجا که بعضی از شاعرانی که ذکری از احوال و آثار آنها در شکرستان پارس آمده، علاوه بر شاعری به هنرهایی چون خوشنویسی، تذهیب و نقاشی می‌پرداخته‌اند و این مسأله در تذکره حاضر انعکاس یافته، می‌توان اطلاعات مفیدی نیز درباره این هنرها از شکرستان به دست آورد:

الف) خوشنویسی: در میان شاعران خوشنویس ذکر شده در این تذکره، استادان انواع خطوط دیده می‌شوند و شعاع در برخی از موارد آنها را با بزرگان آن نوع خط خاص مقایسه کرده است. البته کاتبانی نیز معرفی شده‌اند، از جمله جهانگیر که روزی یک‌هزار بیت تحریر می‌کرده است (۴۰ پ). خوشنویسان عبارتند از:

۱- آثار: خلف جناب عارف مجرد، حاج ملا علی‌عسکر ارسنجانی است که جمعی از اکابر دست ارادت به وی داده‌اند و خلیفه جناب عالم ربانی و محقق صمدانی، ملا احمد ارسنجانی بوده که در یکی از مثنویات خود در تمجید وی فرموده:

ای علی‌عسکر تو می‌باشی ولی
 ای علی‌عسکر تو هستی خوشنویس
 نور حق گردد ز رویت منجلی
 نامه محبوب ما را خوش نویس

خلاصه این پدر و پسر خط نسخ را در نهایت خوبی نوشته‌اند و بعد از مرحوم میرزا احمد نیریزی کمتر کسی به پایه این دو نفر رسیده و جناب آثار علاوه بر خط نسخ در نگاشتن سایر خطوط قادر و در خط ناخن که از صنایع غریبه است ماهر و به نوشتن کلام الله حمید مجید به جهت حکام و اکابر اشتغال دارد و مبلغ دوپست تومان این زمان و زیاده، هدیه نوشتن هر قرآنی به وی دهند (۱ پ).

۲- آسوده: خطاطی است بی‌نظیر و دانشوری است باتدبیر (۱ پ).

۳- میرزا ابوالقاسم: بعد از درویش مجید طالقانی خط شکسته را چون وی کمتر کسی نوشته (۷ ر).

- ۴- بهجت: خط نسخ را خوش می‌نگاشته. روزی به کتابت می‌گذرانیده و سال‌ها با جناب حاجی زین‌العابدین سیاح معاشرت و اظهار خلوص نیت می‌نموده (۳۲ پ).
- ۵- بیدل: در انواع علوم سیما طب ماهر و از اکثر خطوطش نصیبی وافر بوده (۳۳ ر).
- ۶- توحید: جمیع خطوط را خوش نوشتی، خاصه خط نسخ را، خصوصاً قلم‌های بسیار خفی را (۳۷ ر).
- ۷- حجاب: در خط نستعلیق مشهور آفاق و به اتفاق شناسندگان خط بعد از میرعماد، خطاط معروف، احدی به پایه ایشان در خط نستعلیق نرسیده (۵۱ پ).
- ۸- حکیم: خط نستعلیق را به‌غایت خوب می‌نگاشته (۵۴ پ).
- ۹- خلف: جناب رکن‌الملک در فن انشا و خط و ربط و حسن سلوک و رأفت با رعیت و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی بی‌بدیل (۶۵ ر).
- ۱۰- داوری: در نگاشتن خطوط خصوصاً شکسته‌نستعلیق قادر (۷۳ ر).
- ۱۱- ذوقی: خط شکسته را بد نمی‌نوشته (۷۸ پ).
- ۱۲- رحمت: انواع خط خاصه نسخ را نیکو نگارد (۸۴ پ).

ب) تذهیب

تسلّی: در تذهیب اوراق و تذهیب اخلاق مسلم آفاق بوده (۳۶ پ).

ج) نقاشی

۱- حسرت: در صنعت نقاشی کمال مهارت دارد (۵۳ پ).

۲- داوری: در نگاشتن خطوط خصوصاً شکسته‌نستعلیق قادر و در صنعت نقاشی ماهر (۷۳ ر).

تاریخ چاپ

سابقه صنعت چاپ و ورود آن به ایران و همچنین طبع آثار مربوط به زبان و ادب فارسی در ایران و برخی سرزمین‌های دیگر (از جمله هندوستان) به سال‌ها پیش از تألیف تذکره شکرستان پارس باز می‌گردد. بارها به خود شعاع پیشنهاد طبع آثارش داده شده است (نک شعاع شیرازی، حال و مقال: ۳ پ و ۱۷۲ ر؛ همو، اشعه

شعاعیه: ۳ پ و ۴ ر). در این تذکره اطلاعاتی نیز درباره چاپ برخی از کتب به چشم می‌خورد که حائز اهمیت است:

۱- دیوان بلاغت‌بنیانش (ایزدی) که زیاده از ده‌هزار بیت است در معموره بمبئی به طبع رسیده، در کمال امتیاز و با نسر طایر چرخ هم‌پرواز (۲۲ پ).

۲- (حکیم و برادرش میرزا احمد وقار) مدت دو سال در بندر بمبئی متوقف و جناب وقار به نوشتن مثنوی معنوی و جناب حکیم به نگاشتن دیوان خواجه حافظ با مرگب چاپ اشتغال ورزیده و به طبع رسانیده، هر دو نسخه کمال امتیاز دارد (۵۴ پ).

۳- (میرزا ابوالحسن خرم) در سنه هزار و سیصد و هفت به عزم زیارت عتبات عالیات از شیراز به معموره بمبئی رهسپار گردید و مجموعه اشعار خود را در آن سرزمین به طبع رسانید (۶۴ پ).

۴- خلف: تا به حال چندین هزار مجلد کلام الله حمید مجید و زادالمعاد مطبوع فرموده و طلباً لمرضات الله به عموم خلق هبه نموده (۶۵ ر).

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

نتیجه گیری

در این مقاله کوشیدیم تا پس از به دست دادن شرح احوالی از شعاع شیرازی و شناساندن چهار اثر از وی که تاکنون معرفی نشده بود، به بررسی تنها نسخه بازمانده و ناقص تذکره شکرستان پارس از منظرهای گوناگونی چون رسم الخط، منابع و مآخذ، شیوه تذکره نویسی، سبک و ... بپردازیم. با مراجعه به برخی از نسخه های خطی مربوط به آثار شعاع توانستیم برخی از مدخل های ذکر نشده در نسخه اصلی را باز یابیم. حجم اصلی این تذکره نیز مشخص شد. نام برخی از شاعرانی نیز که شرح احوال و آثارشان در نسخه نهایی بوده ولی در این نسخه ناقص نیست به دست آمد. همچنین برخی از منابعی که وی از آنها در تألیف این تذکره استفاده کرده ولی در آن مدخل از آنها نامی نبرده است، شناسانده شد.

شعاع الملک در نگاشتن شرح احوال شاعران موجود در این تذکره سبک نثری مشخصی ندارد و بر اساس ارزش و احترامی که برای آنان قائل است و نیز منابع مورد استفاده وی، گاه این شرح احوال را مسجع، گاه نیمه مسجع و گاه غیر مسجع می آورد.

برخی از مسائل ارزش شکرستان پارس را می افزاید؛ شعاع در این تذکره نظرات قابل توجهی در باب نقد اشعار و طرز شاعری دارد. همچنین در شرح احوال برخی شاعران با مراجعه به کتب تاریخی نکاتی را روشن کرده است. تعداد زیادی از شاعران ذکر شده در این تذکره معاصر شعاع بوده اند. اطلاعات درباره یکی از شاعران تنها در این اثر آمده است. علاوه بر آگاهی هایی که می توان از این تذکره درباره شعرا و اشعارشان کسب کرد، اطلاعات سودمندی نیز در مورد تاریخ هنر (خوشنویسی، تذهیب و نقاشی) و تاریخ چاپ در این کتاب مشاهده می شود.

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

پی‌نوشت

۱- در نسخه حاضر از تذکره (۹۱۵۵ مجلس) گرچه عنوان کتاب افتاده، اما نویسنده همه جا اثر خود را «شکرستان پارس» نامیده است؛ مثلاً در شرح حال ایزدی می‌گوید: «این اشعار فصاحت‌آثار ... زینت تذکره موسومه به شکرستان پارس گردید...». (۲۲ پ، نیز در ۳۲ پ، ۵۱ پ، ۶۰ ر و ۱۰۰ ر؛ نیز نک همو، جنگ اشعار، ۱ پ و ۴۰ پ)؛ با این حال در برخی از منابع و نسخ نام این تذکره «شکرستان فارس» ضبط شده است. خود شعاع در نسخه دیگری آن‌گاه که می‌خواهد شرح حال زرگر اصفهانی را از روی این تذکره نقل کند می‌نویسد: «نقل از تذکره موسوم به شکرستان فارس» (رساله شعشه، ۲ پ؛ نیز همو، جنگ اشعار، ۱۸۳ پ؛ همو، ۱۳۸۰: ۳۴؛ همو، حال و مقال: ۱۶۸ پ).

۲- در حال و مقال شعاع‌الملک شیرازی (۱۷۳ پ-۱۷۹ ر) سواد مراسلات کتبی و تلگرافی راجع به لقب شعاع‌الملک آمده است. آخرین تلگراف که از شاهزاده حسینقلی میرزای نصرت‌السلطنه است و به صاحب‌اختیار رئیس دفتر شاهنشاهی نوشته شده، تاریخ ۴ رمضان ۱۳۳۹ دارد (شعاع شیرازی، حال و مقال: ۱۷۴ پ).

انجمن علمی زبان ادبی فارسی

ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱

منابع

الف) کتاب‌های چاپی

دانش پژوه، محمدتقی (۱۳۴۱)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، جلد دوم، تهران: ضمیمه سال دهم مجله دانشکده ادبیات.

داور، شیخ مفید (۱۳۷۱)، مرآت الفصاحه، با تصحیح و تکمیل و افزوده‌های دکتر محمود طاووسی، شیراز: نوید شیراز.

درایتی، مصطفی (۱۳۸۹)، فهرستواره دست‌نوشته‌های ایران (دنا)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

شعاع شیرازی، محمدحسین (۱۳۸۰)، تذکره شعاعیه، با تصحیح و تکمیل و افزوده‌های دکتر محمود طاووسی، شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.

صدرایی خویی، علی (۱۳۷۶)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، جلد بیست و ششم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی با همکاری کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

طباطبایی بهبهانی (منصور)، سید محمد (۱۳۸۶)، فهرست مختصر نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

فرصت شیرازی، میرزا محمدنصیر (۱۳۷۵)، تذکره شعرای دارالعلم شیراز (بخشی از دریای کبیر)، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، شیراز: دانشگاه شیراز.

گلچین معانی، احمد (۱۳۵۰)، تاریخ تذکره‌های فارسی، تهران: دانشگاه تهران.

هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۲)، مجمع الفصحا، به کوشش دکتر مظاهر مصفا، جلد دوم بخش اول، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

ب) نسخه‌های خطی

شعاع شیرازی، محمدحسین، اشعه شعاعیه، نسخه شماره ۳۰۴ حکمت که پیش از این در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگهداری می‌شده و اکنون در کتابخانه مرکزی این دانشگاه است.

_____، جنگ اشعار، نسخه شماره ۹۶۴۸ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

_____ ، حال و مقال شعاع‌الملک شیرازی (سرگذشت‌نامه)، نسخه شماره ۲۹۷ حکمت کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (پیش از این در دانشکده ادبیات).

_____ ، شکرستان پارس، نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۹۱۵۵.

_____ ، مجموعه ۲۹۵ حکمت، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران (پیش از این در دانشکده ادبیات).



انجمن علمی زبان ادبیات فارسی



ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی

۵ و ۶ دی ماه ۱۳۹۱